



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۱۰ اگست ۲۰۲۲

حمید انوری

"د یو مُتبر انسان یاد"

عنوان فوق، نوشته است از قلم هموطنی بنام "تمهید سیلانی" که در یکی دو سایت اقبال نشر یافته است. در اصل چنان معلوم می شود که یادی است و قدردانی ای است از یک استاد که در خور تمجید و تکریم است و قدرشناسی را میرساند که باز هم در خور هزاران ستایش است. اما و مگر و ولی از نظر این کمترین یک مشکل اساسی دارد و شاید از نظر نویسنده مضمون؛ این نکته باریک تر از مو را که میخوام در ذیل بدان انگشت گذارم، مشکلی جلوه نکرده باشد، بلکه لب و لباب نوشته شانرا تشکیل بدهد و مقصد و مرام و هدف آن هم گنجانیدن همین جمله باریکتر از مو، در آن نوشته بوده باشد. الغیب عند الله...

ایشان می نویسند: "... زه د پښتنو متبحرینو په منځ کې د خوشحال خان (رح) او مشر لایق (رح) له شخصیتونو متأثره یم، د تأثر یوه وجهه یې دا ده چې یادو شخصیتونو پر خپلو منفي او مثبتو کړنو بیا کتنه کړې او خپل عُیوب یې نقد کړي دي، تر څو راتلونکی نسل ته د دوی شخصیت بنه واضحه شي." - صفحه دوم- آغاز پاراگراف ششم نوشته متذکره فوق

اول اینکه سلیمان لایق، یک شخصیت "متبر" نه، بلکه یک فرد کثیف وطن فروش و جاسوس تجاوزگران روسی بود.

دوم اینکه او را در جمع (رح) نمی شود آورد، بلکه او را باید (لعنت الله علیه) گفت. سوم هم اینکه او را در ردیف خوشحال خان ختک آوردن، در حقیقت توهین به خوشحال خان است. چهارم هم اینکه آیا هموطن گرامی، جناب "تمهید سیلانی"، ادعای خود مبنی بر اینکه لایق نالایق، "... پر خپلو منفي او مثبتو کړنو بیا کتنه کړې او خپل عُیوب یې نقد کړي دي" را ثابت کرده می توانند؟!

پنجم هم اینکه اگر چنین سندی از چنان فردی وجود می داشت، هیچ امکان نداشت که جناب "سیلانی" آنرا زینت بخش نوشته متذکره فوق خویش نمی ساختند.

جهت شناخت بهتر از لایق نالایق، سوال و جواب دو پرچمی را اینجا می آورم تا هموطنان خود قضاوت کنند:

"... به جواب او گفتم: خوب اینک من یکی از پرچمی ها در برابر تان نشسته ام، رفیق لایق! بفرمائید چگونه میتوانید از خود دفاع کنید؟"

لایق که نشان میداد عصبانیت خود را فرو کشیده، چهره حق بجانب بخود گرفت و با آرامش تمام جواب داد: برایم رفقای سفارت شوروی آنچه که مشوره داده بودند، من همانطور کردم..." سوال و جواب بین فقیر محمد ودان و سلیمان لایق- سایت هود.

و اما مقایسه و همدریف قرار دادن سلیمان نالایق با خوشحال خان، در حقیقت یک توهین بزرگ به خوشحال خان است و در حقیقت مقایسه زمین است با ثریا و سیه با سپید و زشت با زیبا. خوشحال خان در یک شعر خود چنین فریاد کرده است:

زه خوشحال توره په لاس کفن په غاره به را پاخم

که خبر شوم چي پښتون د چا غلام شو

و اما سلیمان نالایق در غلامی به تجاوزگران روسی چنین زبونا نه قلفله کرده است:

شوروي زلميان د سر او خان په بيه

د افغان د ازادۍ لپاره جنگ کړي

زور انگرېز له دغه غمه لېونی شو

سره اردو په افغانانو باندي ننگ کړي

و اما روزگاری که سلیمان نالایق و رفقای پست و پلید حزبی او حلقه غلامی روسهای متجاوز و ددمنش را با افتخار به گردن نمودند و کشوری را به خاکدان سیه نشانند و مردمی را بر باد دادند و شعله های سرکش آتش تجاوز را در کشور زیبای ما بیافروختند، دیگر خوشحال خان زنده نبود و هرگز هم سر از لحد برنداشت تا غلامی غلامبارگان را در کشور زیبای ما شاهد باشد.

حال قضاوت به هموطنان گرامی که چگونه می شود، سلیمان نالایق را با خوشحال خان ختک مقایسه کرد و همدریف نمود و نیز اینکه از اینگونه نوشته های پهلودار، چه باید آموخت.